

نگاهی به جایگاه فیاض لاهیجی در شعر مکتب اصفهان

جهانگیر صفری^۱/نگین محمدی نافچی^۲

چکیده:

هنر و ادبیات فارسی در عصر صفوی تجلی و سیری خاص دارد. مذهب در هنر و ادبیات عمیقاً رسوخ یافته و شاید به این دلیل بود که هنر از بند و انحصار طبقه‌ای خاص رها شد و به میان مردم راه پیدا کرد. در کمتر عصری مانند دوره‌ی صفویه سراغ داریم که به جهت رواج شعر، این همه عالم و حکیم مانند فیاض لاهیجی به شاعری روی آورده‌اند. ملاعبدالرزاق بن علی لاهیجی قمی متخلص به «فیاض» (متوفی ۱۰۷۲م) از حکیمان و متکلمان امامیه‌ی صوفی مشرب و از شاعران مشهور و از شاگردان معروف و داماد ملاصدرای شیرازی در سده‌ی یازدهم هجری در عصر صفویه است. از او اشعاری زیبا در قالب قصیده و غزل در ستایش خالق و منقبت پیامبر(ص) و امامان خاصه علی بن ابی طالب (ع) به تکرار و ترکیب-بندی در مرثیه به شیوه‌ی محتشم کاشانی و غزل‌هایی به لحن عرفانی به یادگار مانده است. شعر فیاض رنگ محیط و عصر خود را دارد و روشنگر طرز تفکر و بیان عقاید شاعر است و چون از عنصر تصوف و عرفان برخوردار است، از حالت واقعه نگاری خشک و ابتذال مداحی، بیرون آمده و اشعاری رنگین و نمکین با شور و جذبه‌ای خاص، آفریده است و خواننده‌ی دیوان او چنانچه اندک آشنایی با باب ولایت و اصطلاحات آن داشته باشد، متوجه می‌گردد که فیاض با بیان برخی معانی هیچ تردید ندارد که ایمان صورت نمی‌بندد، مگر اینکه شخصی معتقد و وابسته به امر ولایت باشد. در این مقاله تلاش بر آن است که به اندیشه‌های حکمی و عرفانی در قصاید فیاض لاهیجی پرداخته شود.

واژگان کلیدی: فیاض لاهیجی، قصاید، حکمت و عرفان، ولایت.

۱ - دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه دولتی شهرکرد

۲ - کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی